

بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی

جواد نظری مقدم^۱

چکیده

ضرب‌المثل‌ها به‌منزله یکی از عناصر مهم ادبیات شفاهی می‌توانند بازتابی از باورها و نگرش‌های حاکم بر جامعه باشند. یکی از موضوعات مهم تحقیقات حوزه اجتماعی بررسی چگونگی بازنمایی زن در فرهنگ و ادبیات شفاهی است. در این مطالعه، تلاش می‌شود با بررسی مثل‌های گیلکی به تصویری نسبتاً روشن از چگونگی جایگاه زن در جامعه گیلان دست یابیم. این مطالعه یک بررسی توصیفی تحلیلی بوده که در آن ضمن تحلیل محتوای چهار کتاب «فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات گیل و دیلم»، «جادگفته گیلان»، «ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات گیلکی» و کتاب «ضرب‌المثل‌های گیلکی»، که حاوی ۴۵۶۲ ضرب‌المثل حوزه شرق و غرب و مرکز گیلان هستند، تعداد ۱۸۲ ضرب‌المثل مرتبط با موضوع پژوهش احصا شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شده و مثل‌های با مضامین مشترک و مشابه ذیل پنج مقوله کلان تصویری از سویه‌های مثبت زنان، تصویری از سویه‌های منفی زنان، زن به‌مثابه عنصری فرودست، زن به‌مثابه عنصری فرادست و زن به‌مثابه عنصری برابر در نسبت با مرد دسته‌بندی شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تصویر زن در فرهنگ مردم گیلان متنوع و چندوجهی است و اگرچه در بخشی از مثل‌ها زن به‌مثابه عنصری ضعیف و فرودست بازنمایی می‌شود، بخش درخور توجهی از ضرب‌المثل‌ها بر نقش زن به‌مثابه عنصری فرادست یا برابر با مرد در جامعه دلالت دارد.

کلیدواژه‌ها

بازنمایی، جنسیت، ضرب‌المثل، فرهنگ عامه، گیلکی.

مقدمه و بیان مسئله

ضرب‌المثل‌ها به‌منزله یکی عناصر مهم زبانی فرهنگ شفاهی جوامع مختلف انعکاس‌دهنده بخشی از هویت و شخصیت و نظام باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه به شمار می‌روند. از نگاه بسیاری از صاحب‌نظران درواقع این عناصر فرهنگ شفاهی بازتابی هستند از چگونگی روابط حاکم بر زندگی روزمره مردمان و روایتی از نگرش‌ها و علایق و تجربیات و هنجارها و آداب و رسوم ملل در طول تاریخ. درحقیقت ضرب‌المثل‌ها ضمن آنکه تجلی‌گاه نگرش‌های فرهنگ‌ها هستند، روایت‌کننده رفتارهای بهنجار و نابهنجار و ارزش‌ها و ضدارزش‌های اجتماعی هستند که مردمان جوامع مختلف آن‌ها را پذیرفته‌اند [۷، ص ۲۸]. بنابراین، مثل‌ها در هر جامعه‌ای متناسب با اختصاصات جغرافیایی و فرهنگی، ویژگی‌های خاص خود را دارند [۹، ص ۷].

به‌طورکلی، ادبیات شفاهی تا اندازه زیادی می‌تواند نمایانگر برجسته‌ترین ویژگی‌های فرهنگی جوامع باشد، اما از میان عناصر ادبیات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها از آنجا که ریشه در تجربیات روزمره زندگی مردم دارند از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و می‌توانند ما را در شناخت لایه‌های فرهنگی و هویتی تاریخی جوامع یاری کنند [۱، ص ۱۰]، زیرا این عبارات کوتاه و آهنگین و مشتمل بر استعارات و تشبیهات و مضامینی حکیمانه، برگرفته از تجربیات مردم بوده و به جهت روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار می‌برند و سینه‌به‌سینه منتقل می‌کنند [۷، ص ۳۴]. به همین دلیل برخی آثار با پیش‌فرض قرارداد این نکته که خلیات و ویژگی‌هایی اخلاقی جامعه می‌تواند در آثار ادبی و اشعار و ضرب‌المثل‌های یک ملت انعکاس پیدا کند به بررسی نسبت میان شخصیت و آثار ادبی ایرانیان پرداخته‌اند (ر.ک [۱۱؛ ۱۲؛ ۱۸]).

به موازات تغییرات اجتماعی و فرهنگی جوامع، مسئله جنسیت و چگونگی نقش و جایگاه زنان در جامعه به‌منزله یکی از مسائل مهم اجتماعی طرح شد. در این زمینه، بررسی چگونگی بازنمایی زن در ادبیات و زبان ملت‌ها به‌منزله یکی از موضوعات حوزه مردم‌شناسی و جامعه ادبیات مورد توجه پژوهشگران اجتماعی قرار گرفت. در این چارچوب، نگرش‌های جامعه در نسبت با زنان و مردان و نقش و جایگاه هر یک از عناصر اجتماعی در جامعه در زبان و ادبیات و فرهنگ شفاهی و به‌طور خاص ضرب‌المثل‌ها بازتاب پیدا می‌کند. حتی گفته می‌شود که باورهای جنسیتی از خلال زبان و ارتباط با دیگران آموخته می‌شوند و شکل می‌گیرند [۱۵، ص ۱۰۵]. بنابراین، می‌توان گفت که جنسیت در فرهنگ‌های مختلف جلوه و نمودی متناسب با آن فرهنگ و جامعه پیدا می‌کند.

بخش درخور توجهی از تحقیقات این حوزه بر حاکمیت ارزش‌های مردسالارانه و زن‌ستیزانه در ادبیات شفاهی و ضرب‌المثل‌های ملل مختلف تأکید دارند. مطالعه در زمینه چگونگی بازنمایی نقش زن در فرهنگ‌ها و جوامع محلی مختلف می‌تواند گامی مهم در جهت توسعه

تحقیقات حوزه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبیات باشد. بنابراین، در این پژوهش تلاش خواهد شد تا به مطالعه و بررسی چگونگی نقش و حضور زن در مردم گیلان پرداخته شود. مسئله این پژوهش چگونگی بازنمایی و نگاه به زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی است. با توجه به هدف پژوهش و بازتاب زن در ادبیات عامیانه و ضرب‌المثل‌ها در این مقاله تلاش می‌شود به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود: ۱. زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی چه جایگاهی دارد؟ ۲. در ضرب‌المثل‌های گیلکی نقش و جایگاه زنان در جامعه و خانواده چگونه تصویر شده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ضمن تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌های مناطق شرق و غرب و مرکز گیلان تلاش می‌شود تا به تصویری از نقش و جایگاه زن در فرهنگ مردم گیلان نائل آییم.

پیشینه تحقیق

از آنجا که در غالب فرهنگ‌ها و جوامع ضرب‌المثل‌هایی با موضوع زنان یافت می‌شود، پژوهش‌هایی در باب چگونگی بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های فرهنگ‌ها و جوامع مختلف انجام شده است. برهانی شهرستانی (۱۳۸۵) به گردآوری ضرب‌المثل‌هایی از کشورهای مختلف درباره زن پرداخته است [۲]. آرمان حیدی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی ضرب‌المثل‌های رایج در گویش لری پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تصاویر ارائه‌شده از زنان در ضرب‌المثل‌های لری به شکل‌گیری و تقویت نوعی زبان جنسیت‌گرا و کردار تبعیض‌آمیز جنسیتی در جامعه مورد نظر انجامیده؛ تا جایی که نوعی فاصله و مرز جنسیتی بین مردان به مثابه جنس فرادست و زنان به مثابه جنس فرودست ترسیم و تحکیم شده است [۵].

مجید موحد و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به تحلیل چگونگی نقش زنان در جامعه پرداخته‌اند. نویسندگان مقاله ضمن تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌ها، ویژگی‌های مختلف شخصیتی زنان و نقش آنان در درون خانواده را با تکیه بر مثل‌های رایج در لامرد فارس مورد بررسی قرار داده‌اند [۱۷]. نتایج این پژوهش نیز حاکی از نادیده‌گرفتن نقش اجتماعی برای زنان در جامعه مورد مطالعه است.

یافته‌های پژوهش محمدپور و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد در فواکلور کردی و ضرب‌المثل‌های این حوزه جغرافیایی نگاه به زن متنوع و نامتعیین و گاه متناقض است. او در ضمن تحلیل خود تصویر زن در ضرب‌المثل‌ها را در قالب چند مقوله تقسیم‌بندی کرده و در نهایت همه این مقوله‌ها در قالب یک الگوی موضوعی با عنوان «زن سوژه‌ای نامتعیین» در ادبیات کردی قرار می‌گیرند [۱۴].

رضایی و ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۴) با رویکردی فمسنیتی به بررسی ضرب‌المثل‌های بختیاری پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در ضرب‌المثل‌های بختیاری نگرش مردسالارانه حاکم است. این تحقیق نشان می‌دهد در ضرب‌المثل‌های بختیاری زن جایگاه فرادست، گاه فرودست

و گاه برابر با مردان دارد. در حوزه مسائل درون خانه و حیطة خصوصی زن موجودی قدسی و فراتر از مرد است و در حوزه مسائل عمومی و اجتماعی زن جایگاه فرودستی و پایین تر از مردان دارد و در حوزه مسائل عام در نقطه برابر با مردان قرار می‌گیرند [۸].

نخاوی و شریفی (۲۰۱۳) با مطالعه ضرب‌المثل‌های فارسی بر وجود نشانه‌هایی از سرکوب حقوق زنان در جامعه صحه گذاشتند. کیمبا (۲۰۰۵) در مقاله‌ای به تحلیل ادبیات شفاهی و روابط جنسیتی در جامعه باگاندا می‌پردازد. از نگاه او نابرابری جنسیتی در قالب ادبیات شفاهی و ضرب‌المثل‌ها نمود پیدا می‌کند [۱۹]. شیپیر (۲۰۱۰) هم که به بررسی محتوایی ضرب‌المثل‌های زبان‌های مختلف پرداخته نتیجه گرفته است که در ضرب‌المثل‌ها ویژگی‌های منفی زنان در نسبت با ویژگی‌های مثبت بیشتر بازنمایی شده است و در واقع وجوه و کارکرد مثبت زنان مورد توجه قرار نگرفته است. نتایج تحقیق زاهدی و ایمانی (۱۳۹۰) هم نتایج مشابه داشته است.

در حوزه فرهنگ گیلان، مقاله منصور شعبانی و محمدمین صراحی (۱۳۹۵) به توصیف و تحلیل بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی گونه اشکورات گیلان پرداخته‌اند. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با مردمان محلی گردآوری شده و در نهایت در قالب سه مقوله کلی بازنمایی و تصویر منفی، مثبت و خنثی از زنان دسته‌بندی شده‌اند. نویسندگان مقاله ضمن تحلیل این ضرب‌المثل‌ها در چارچوب گفتمان انتقادی و فمینیستی نتیجه گرفته‌اند در جامعه گیلک‌زبان منطقه اشکورات براساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فرودستی، طبقه اجتماعی زنان فرودست شمرده می‌شود و نادیده گرفته می‌شوند.

بررسی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد تاکنون مطالعه جامعی در خصوص چگونگی بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی صورت نپذیرفته است. پژوهش منصور شعبانی و صراحی (۱۳۹۵) متمرکز بر فرهنگ بخش کوچکی از حوزه شرق گیلان و با تکیه بر مصاحبه میدانی بوده است. لذا در این مقاله تلاش می‌شود با خوانش ضرب‌المثل‌های گیلکی مناطق شرق و غرب و مرکز گیلان تصویر نسبتاً روشنی از چگونگی بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی ارائه شود. لذا این پژوهش هم از نظر حجم ضرب‌المثل‌های مورد بررسی و هم گستره جغرافیایی مثل‌ها از پژوهش‌های دیگر در حوزه ضرب‌المثل‌های گیلکی متمایز می‌شود.

روش تحقیق

این مطالعه یک بررسی توصیفی تحلیلی است که در آن با رجوع به متن ضرب‌المثل‌های گیلکی و تحلیل محتوای آن، چگونگی بازنمایی زنان در این بخش از ادبیات شفاهی توصیف و تحلیل می‌شود. تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می‌شود که به صورت منظم، عینی و به منظور تعیین ویژگی‌های پیام‌ها به کار برده می‌شود [۶، ص ۲۷۵].

در پژوهش حاضر، ضرب‌المثل‌های حوزه شرق، غرب و مرکز گیلان بررسی و مطالعه شدند. با توجه به هدف پژوهش، کتاب‌های فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات گیل و دیلم، جادکفته گبان، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات گیلکی و کتاب ضرب‌المثل‌های گیلکی که در مجموع حاوی ۴ هزار و ۵۶۲ ضرب‌المثل هستند مورد خوانش و بررسی قرار گرفتند که البته بخشی از ضرب‌المثل‌ها در هر چهار کتاب تکرار شده‌اند. پس از بررسی متون، ضرب‌المثل مرتبط با موضوع زن استخراج شد و در ادامه پس از حذف موارد تکراری و نسبتاً مشابه در گونه‌های شرق و مرکز و غرب گیلان، ۱۸۲ مورد ضرب‌المثل‌هایی که حاوی کلماتی نظیر زن، خانم، مادر، دختر، خواهر، عروس، مادرشوهر، مادرزن بوده یا از حیث محتوایی مرتبط با زنان بودند احصا، تفکیک و گردآوری شدند. برای فهم دقیق‌تر و بهتر ضرب‌المثل‌ها و اطمینان از برخی ضرب‌المثل‌های مبهم و پیچیده و حاوی معانی متعدد به چند تن از افراد گیلک‌زبان بالای پنجاه سال (سه نفر زن و دو نفر مرد) مراجعه شد تا درک مشترکی از ضرب‌المثل‌ها حاصل شود، زیرا نباید از نظر دور داشت که برخی ضرب‌المثل‌ها در شرایط مختلف یا به اقتضای گویندگان آن حاوی معانی و مقاصد متفاوتی هستند. لذا رجوع به گویشوران محلی گیلک‌زبان تا اندازه زیادی می‌تواند به فهم دقیق‌تر مقاصد متن کمک کند. برای تحلیل و درک عمیق داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است و ضرب‌المثل‌هایی با مضامین مشترک و مشابه، ذیل مقوله‌ای کلان‌تر دسته‌بندی شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. شایان ذکر است که برخی از ضرب‌المثل‌ها (سه مورد) واجد معناهای متعددی بودند؛ لذا در ذیل مقوله‌های مختلفی جای گرفتند. در ادامه، ضمن اشاره به مقوله‌های استخراج‌شده، چند مورد از ضرب‌المثل‌های مرتبط به‌عنوان نمونه ذکر شده است. تحلیل ارائه‌شده از محتوای این ضرب‌المثل‌ها تا اندازه‌ای می‌تواند بر چگونگی نقش و جایگاه زن در جامعه گیلک‌زبان دلالت داشته باشد.

تقسیم‌بندی محتوایی مثل‌های گیلکی درباره زنان

در این قسمت پس از خوانش چند باره و مکرر نمونه‌های مرتبط با موضوع مطالعه، ضرب‌المثل‌ها براساس محتوا و مفاهیم مورد تأکید در مقوله‌های ذیل تقسیم‌بندی شدند. در ذیل هر مقوله، نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها ارائه می‌شود. با بررسی عمیق‌تر این مفاهیم و مقوله‌ها می‌توان به تصویری نسبتاً روشن از چگونگی نقش و جایگاه زنان در فرهنگ گیلان نائل آمد.

تصویری از سویه‌های مثبت زنان

الف) اشاره به زیبایی و جذابیت ظاهری زن

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | ضرب‌المثل |
|------------------------------------|---|--|
| اهمیت زیبایی زن | جلوه هر خانه به آب و جارو است و زیبایی دختر به چشم و ابرو | خانه به آب و جارو دوختر به چشم و ابرو xAna be Abo dZAruduxtarbe tΣeΣmoabru |
| جذابیت و زیبایی عروس | زیبایی عروس به لباس خوب و زیبایی خانه به رنگ و تعمیر | عروس رخته شه، خونه تامیری arusraxtΣe xunetamiri |
| آن قدر زیبا شده که نظیر ندارد | خانم در دست نمی‌گنجد | خانم خانم دس چرخ ننه xAnamxAnamdas tΣarxname |
| اهمیت طراوت و جوانی زن | دختر تر و تازه و شاداب و نوبالغ است | تره تنگوله لاکوکه tarΣtangulΣlakuke |
| زن باید هم کمال داشته باشد هم جمال | زن باید هنر داشته باشد در عین حال کمر باریک | زن خانی هونر پداره سیفتالی کمر پداره Zan xanihunarbedaresiftalikamarbedare |

زیبایی ظاهری زنان به‌مثابه یکی از وجوه مثبت زنان در بخشی از ضرب‌المثل‌ها و ادبیات شفاهی انعکاس یافته است. در این دسته از ضرب‌المثل‌ها، به زیبایی صورت و جذابیت بدن و طراوت زن و عروس اشاره شده است. گوینده این ضرب‌المثل‌ها هم مردان می‌توانند باشند و هم زنان.

ب) ویژگی‌های شخصیتی مطلوب و مثبت زن

عاقل و بادرایت

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | ضرب‌المثل |
|---|-------------------------------------|--|
| ارزش عقل و درایت زن | آدم هزار تومن خرج بکند زن عاقل ببرد | آدم هزار تومن خرج بکونه عاقله زناکه بیوره Adam hizar toman xardZbokuneAqΣle zanakebabore |
| زن عاقلی است | دختر نشستهای است | بینیشته لاکو/ بینیشته کوره biniΣtelaku |
| بیش از سن و سال خود می‌داند | انگار پنج تا زابیده پنج تا خاک کرده | انگار پنش ته بزّه پنش ته به گیله کوده Σngar penΣ ta beza penΣ ta bΣgilakude |
| دختری است که انگار تجربه زن هفتادساله را دارد | به زن هفتاد ساله می‌ماند | هفتاد سال بینیشته زناکه موندنه haftadsalbiniΣtezanake mundane |

در این ضرب‌المثل‌ها ضمن اشاره به وجه مثبت زنانه، درایت و قوه عاقله زنان را به تصویر می‌کشد و درواقع زن عاقل از دیگر زن‌ها تفکیک می‌شود. ضرب‌المثل شماره ۱ وجه توصیه‌ای داشته و بر ارزش زن عاقل در زندگی مشترک تأکید دارد و سه ضرب‌المثل بعدی جنبه خبری دارد. این نمونه‌ها تا اندازه‌ای می‌تواند عقل و درایت و تجربه را به‌عنوان وجوه مثبت زنان بازنمایی کند. اگرچه بسیاری از پژوهش‌ها بر نگاه منفی جامعه نسبت به زنان و انعکاس آن در ضرب‌المثل‌ها تأکید دارند، ضرب‌المثل‌های این بخش نشان می‌دهد در فرهنگ گیلان زن به‌مثابه سوژه‌ای عقلانی و با درایت مورد ستایش جامعه قرار دارد.

اهل کار و تلاش

| ضرب‌المثل | ترجمه | معنای متبادر به ذهن |
|--|---|---------------------------------------|
| صد روز گیلهمرد بیچار منن بگرده تا گیله‌زن خو پای او منن ننا آباداً نیونه Sad ruzgilemard bi dZarmiyen beggared ta gilezan xu paya u miyennaneabadenebe | صد روز اگر گیلهمرد در مزرعه کار کند تا گیله‌زن پایش را در زمین نگذارد زمین آباد نمی‌شود. | درایت و کاربلدی و پشتکار گیله‌زنان |
| دونیاپه فادید پیر زناکا گه: جعفری کویا بکارم dunya faded pirzanakegedZaf=rikuyabekaram | دنیا را بدهید به پیرزن باز می‌گوید: جعفری را کجا بکارم. | علاقه زن به کار |
| اینه بوشس و براز خوجیره inebuSusoboraz xo dZire | شستن و تمیز کردن او خوب است زن کارکن است. | زن کاری و زحمتکش |

زن در فرهنگ گیلان همواره به‌عنوان عنصری فعال و پرتلاش و تأثیرگذار در حوزه اقتصاد حضور داشته است. لذا این نقش و تأثیر در بخشی از مثل‌ها بازتاب پیدا کرده است؛ مثلاً در ضرب‌المثل ۱ زن به‌عنوان مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین کنشگر اقتصاد حوزه کشاورزی تعریف می‌شود؛ به گونه‌ای که پیشرفت و آبادانی اقتصاد بدون حضور او ناممکن تلقی می‌شود. ضرب‌المثل ۲ بر همت و تلاش همیشگی زنان حتی تا زمان پیری اشاره دارد و ضرب‌المثل ۳ کار و تلاش زن در محیط خانه را یکی از ارزش‌های مثبت زن مطلوب معرفی می‌کند. بررسی این دسته از ضرب‌المثل‌ها گویای آن است که کنشگری زن در فرهنگ گیلان تنها معطوف به امورات خانه و شستن ظرف و لباس نیست، بلکه او به‌منزله کنشگری اقتصادی دوشادوش مرد و حتی فراتر از مرد ظاهر می‌شود و تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه تأثیرگذار در اقتصاد کشاورزی به شمار می‌رود.

عفت و حیا

| مثل | ترجمه | معنای متبادر به ذهن |
|--|-------------------------|---------------------|
| اینه سره نره مگر ننیشته inesareneremagaznaniΣte | روی سرش مگس ننشسته است. | زن عفیفی است. |

وفاداری

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---------------------------|---|---|
| وفاداری زنان نسبت به همسر | زن یک بله می‌گوید چهل سال همراه مرد است اما نامرد (مرد بدعهد) چهل تا قول می‌دهد سر قولش نیست. | زن ئیتا بله گه چل سال مرد امرایه نامرد چل تا قول دیهه سر نئسه |

قناعت و سازگاری

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|----------------------------------|------------------------------------|---|
| ستایش از زن قناعت‌پیشه و سازشکار | دختر از خانواده فقیر، اقبال از خدا | دختر از گدا دولت از خدا duxtarazgedadolatazxda |

حیا و وفاداری و قناعت از جمله دیگر ویژگی‌هایی مثبت زنان در فرهنگ گیلان است که در ضرب‌المثل‌های گیلکی بازنمایی شده است. اینجا «وفاداری زن» در مقایسه با قول مرد مستحکم‌تر و قابل اعتمادتر تلقی می‌شود و زن به‌مثابه عنصری متعهد و پایبند به زندگی که شایسته ستایش است تعریف می‌شود.

ج) نقش محوری و اثربخش زن در زندگی

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--------------------------------|---|--|
| مدیریت زن در زندگی | خانه و زندگی را باید زن نگه دارد. | خونه سونه خن زن بداره xunesunexanzanbedare |
| زن و زندگی مکمل یکدیگرند | زن و زندگی با هم همراه‌اند. | زنه و زندگی کسنی همره ی Zanozendegikasniamray |
| اهمیت نقش اقتصادی زن | صد روز اگر گیلهمرد در مزرعه کار کند تا گیلهن پایش را در زمین نگذارد، زمین آباد نمی‌شود. | صد روز گیلهمرد بیچار مئن بگرده تا گیلهن خو پای او مئن ننا آباداً نبونه |
| خانه بدون زن ارزش زندگی ندارد. | خانه‌ای که در آن زن نباشد به آن خانه باید گفت طویله | زن خونه دنه بون، او خونه بوگو گوگاچه zanxunedane bun u xanebugugogatSe |
| نقش محوری زن در خانه | خانه‌ای که زن در آن نباشد آبادانی نیست. | خونه یی که زن دنه بون آبادانی نیه xuneyikezandane bun Abadaniniye |
| نقش زن در خوشبختی مرد | زن هست که مرد را تاج به سر می‌کند. زن هم هست که مرد را خاک به سر می‌کند. | زناک مرداکه تاج به سر کونه، زناک مرداکه خاک به سر کونه zanakmardAke tadZ be sar kune zanakmardAkexak be sar kune |

تأکید بر نقش محوری و اثربخش زن در خانه و زندگی یکی از موضوعاتی است که در قالب ضرب‌المثل‌ها به آن اشاره شده است. در این دسته از مثل‌ها همواره بر نقش مثبت زن در زندگی تأکید می‌شود. بخشی از این ضرب‌المثل‌ها در این رابطه رویکردی عام‌گرایانه دارند و بر مثبت بودن نقش زن به معنای عام کلمه توجه دارند. مانند ضرب‌المثل ۱ تا ۴. اما ضرب‌المثل ۵ بر دو وجهی بودن شخصیت زنان اشاره دارد و دلالت بر آن دارد که زنان هم می‌توانند عامل موفقیت در زندگی باشند و هم عامل شکست.

د) رابطه عاطفی میان زن و مرد و تأکید بر مطلوبیت زن

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--|--|---|
| کشش و مجذوبیت زن | همه را خدا می‌کشد من را داغ دختر (معشوقه) | همه خودا کوشه مره داغ لاکو hamakhudakooΣe meradaghelaku |
| علاقه موجب تسلط است. | زور زن به شوهرش می‌رسد، زور بچه به مادر | زن خو مرده زور داره، زای خو ماره zaxumardezur dare zay xu mare |
| علاقه مرد به اقوام همسر در مقایسه با اقوام خود | آدم فامیل‌های زنش را بیشتر دوست دارد. | آدم خو کمر به زیر فامیلونه ویشتر خوای Adam xu kamar be zirefamilune viΣtar xayе |
| علاقه به زن و مادر | این جان من است (زنم) این مادرم و این انگل و مزاحم و به باسن چسبیده مادرزنم | این می‌جونه این می‌اناسی، این می‌انگله وراس، کینه ور دماسی in mi dZune in mi onasi in mi angalekine var demasi |

عشق و علاقه به زن از طرف مردان از دیگر موضوعاتی است که در ضرب‌المثل‌ها نمود پیدا می‌کند. در ضرب‌المثل ۲ گفته شده که مهر و علاقه عامل کرنش در برابر دیگری است. لذا از آنجا که زن مورد علاقه شوهر است زورش بر مرد می‌چربد می‌تواند بر مرد تسلط داشته باشد. بخشی از ضرب‌المثل‌های مرتبط با این مقوله بر پابندی به زندگی مشترک و تقبیح هوو آوردن بر سر زن خانه اشاره دارند. عشق به همسر و پرهیز از چندهمسری در فرهنگ گیلان ارزش شمرده می‌شود. لذا آوردن هوو بر سر زن به عنوان نفرینی از جانب زنان به دختران بیان شده است (به‌عنوان نمونه الهی هفت تا اویستی تی سر بایه/ الهی هفت تا هوو سرت بیاید).

ه) نقش عاطفی و محوری زن در نقش مادری

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--|--|---|
| نقش تربیتی زن | مادر فرزند را روی تپه‌ای از پوست شلتوک بپرورد بهتر است تا پدر روی تپه‌ای از زر | مثار فله کو سر بداره، پر زره کو سر mar felekusarbedare per zarekusar |
| هیچ‌چیز جای مهر مادری را نمی‌گیرد | دایه از مادر مهربان‌تر می‌شود؟ | تایه از مادر مهربانتر به؟ tayeazmadarmehrabantar be |
| توجه مادر به فرزند | دل مادر به فرزند است و دل فرزند به سنگ | ماره دیل به زاکه، زاکه دیل به سنگ mare dil be zakezakedilbe sang |
| تلاش و سخت‌کوشی مادر در تربیت فرزند | من با سینه‌های خشکیده‌ام به آن‌ها شیر دادم | مو ایشونه می خوشکه سینه جی شیر بدم moiΣane mi xoΣke sine dZiΣirbedam |
| این مثل زبان حال مادری است که برای داشتن فرزند نذر و نیاز می‌کند | این قدر منبرها را روپوش گرفتم تا تو را به دست آوردم | اندی مینبرونه رو بیتم تا ته هیتم andimenfarunerubaytam ta tehaytam |

این ضرب‌المثل‌ها بر سوییۀ عاطفی زنان اشاره دارد و جلوهٔ پُرمهر زن در قالب نقش مادری را بازنمایی می‌کند. در ضرب‌المثل ۱ ضمن مقایسهٔ میان زن و مرد، مادر به‌عنوان بهترین معلم و مربی فرزند معرفی می‌شود. به عبارت دیگر، جامعه بر نقش و تأثیر مثبت و تعیین‌کنندهٔ مادر در تربیت فرزند در مقایسه با پدر تأکید دارد. این مسئله به‌ویژه هنگامی که میان زن و شوهر طلاق رخ می‌دهد اهمیت پیدا می‌کند. بر مبنای قضاوت اجتماعی جامعه حتی در بدترین شرایط ممکن حکم به محرومیت مادر از نگهداری فرزند نمی‌دهد و این حق را برای او قائل است.

۲. تصویری از سوییۀ منفی زنان

الف) اشاره به ظاهر نامناسب و زشت

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---------------------|---|---|
| ظاهر نامطلوب زن | شبیبه جن است (بدریخت) | جینده پره موندنه dZindeparimundene |
| زشتی ظاهر زن | ساق پای سفیدی ندارد هیچ، شلوار کوتاه هم می‌پوشد | پاچه یه سفیدی داره، کوتا تومانم دوکونه patΣeye sefidi dare kotatumanamdokune |

ب) ویژگی‌های شخصیتی ناپسند دربارهٔ زنان

بیرون‌گردی و رهاکردن خانه و خانواده

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---|---|---|
| سرزنش زنی که به مراقبت از فرزندان اهتمام ندارد. | بچه‌ها را انداختی مثل گاوی که پهن خود را بیندازد. | تی زاکه بگنتی عینه گاو خو گو بگنه tizakebegentiayne gAv xu goebegene |
| به زنان محله که خانه و زندگی را به امید همسایه رها می‌کنند گفته می‌شود. | چادر به سر، کفش به پا فاطمه نساء بیای خانه. | چادر به سر کوش به پا فاطمه نساء می خونه بپا tΣador be sarkuΣbepafatemenesa mi xunebepa |
| سرزنش زنی که مدام بیرون‌گردی می‌کند و به خانواده توجه ندارد. | در گرمای نیمروز تابستان مثل زنان دیوانه از خانه بیرون نرو | گرمه سیر تور زناک دوسون بیرون نشو garne ser tur zanakdosunbirunnaΣu |

رسیدگی به امور خانه و توجه به خانواده و فرزند از ارزش‌های حاکم بر فرهنگ عامهٔ گیلان به شمار می‌رود؛ لذا عدم اهتمام زن نسبت به خانواده و فرزند و پرسه‌زدن‌های بی‌مورد در بیرون از خانه و رهاکردن خانه از ویژگی‌هایی نامطلوب شخصیتی است که در ضرب‌المثل‌ها به آن اشاره شده است.

حسادت و تنش‌های میان زنان

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--|---|---|
| دعای میان عروس و مادرشوهر | شصت سال است عروسیم اما تازه مادرشوهر پیدا کردیم | شص سال عروسیم تازه مرده مار پیدا کردیم Σas salarusimtazemarde mar peydakudim |
| نفرینی خطاب به دختران | الهی هفت تا هوو سرت بیاید | الهی هفت تا اویستی تی سر بایه alahihaftaovistitar baye |
| رابطهٔ بد میان زن‌بایا و فرزندان شوهر | ما بچه زن‌بایاییم مگر؟ | امو پر زنه زاکیم مگه amo per zanezakim mage |
| دعوا و حسادت میان جاری‌ها | گاو زن‌برادرها (جاری‌ها) در جنگل هم دعوا کردند | شوهرار زن شوهرارزنه گو دامون دعوا بودن ΣoberarzanΣoberarzanegudamundavabudan |
| در دعای میان عروس و مادرشوهر هر دو مقصردند | مادرشوهرها شوم‌اند و عروس‌ها دم دارند. | شومارون شوم دارون عروسان دوم |

دعای میان عروس و مادر شوهر، کینهٔ میان جاری‌ها، آرزوی هوو داشتن برای همدیگر و مواردی نظیر آن از تنش‌ها و حسادت‌ها و کینه‌توزی‌های زنانه‌ای است که در برخی از ضرب‌المثل‌ها بازتاب پیدا کرده است. یکی از موضوعات برجسته و جالب توجه در این دسته از ضرب‌المثل‌ها رابطهٔ میان داماد و مادرزن است که در ضرب‌المثل‌ها به آن اشاره شده است. این

ضرب‌المثل‌ها از نگاه بدبینانه داماد به مادر زن حکایت دارد. البته در نقطه مقابل ضرب‌المثل‌هایی استخراج شد که حاکی از مهر مادرزن به داماد بود.

تکبر

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---------------------|--|--|
| خیلی متکبر است. | موش او گاو نر است، نام شپش او گنجشک خانم | اونی گرزه ورزه، اونو سوبوجه نوم ملیجه خانم uni Garza varza uno sobudZenum malidZe xanom |
| فیس و افاده عروس | عروس کچل بود هیچ، افاده هم داشت. | عروس کل بو افاده هم داشته aruskalbuefade ham daΣte |

خبر چینی

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---------------------|--|---|
| خبر چینی زن | خدیدجه خبرچین است سوراخ دماغت را انگشت کنی خبر می‌دهد. | خدیدجه خبرچه، تی دماغ لوکه انگوشته کونی خبر دنه |

خودسری دختر و فرار از خانه

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|-----------------------------|--|--|
| زشتی فرار از خانه توسط دختر | هنگام ناهار وقتی خروس بخواند، دختری می‌خواهد فرار کند. | وقتی نهار ره خروس بخانه ایتا دوختر خایه فرار کودن vaqtineharirexorusbexaneitadoxtarxayeferarkudan |
| دختر فراری بی‌ارزش است. | دختر فراری (مثل) لاک پشت مرداب است | ورتوله لاکو سله آبلاکو vartulelakoseleAblako |

فرار دختر از خانه یکی از واقعیت‌های اجتماعی در فرهنگ گیلان است که در ضرب‌المثل‌ها بازتاب پیدا کرده است. اگرچه فرار از خانه با هدف شکل‌گیری یک زندگی مشترک انجام می‌شد، اما از آنجا که به معنای خودسری و عدم تبعیت از پدر و مادر بوده، زشت شمرده می‌شد.

بی‌عفتی در رفتار و کلام

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--|---|---|
| سرزنش زنی که دنبال مردان می‌رود. | به سگ ماده فحل می‌ماند سگی که پی جفت می‌رود (دختران پر قِر و فِر) | فال بومه میله موندنه Falbumemelemondane |
| زن بدکاره در هر حال کار خودش را می‌کند. | دختر مشکل‌دار را در صندوق امام رضا قفل هم بکنی، کار خودش را می‌کند. | دوخته ایمام رضا صندوقه میان قوفل بوکونی خوکاره کونه Doxtare imam rezasonduqemianqufolbokuni xu kare kune |
| بی‌عار و بی‌باک، بی‌آبروی آبروبر، سلیطه. هم برای مرد استفاده می‌شود و هم برای زن: | از آن شلوار کنده‌هاست. | از او تومان (طومان) بکندانه az u tuman bekdane |
| سرزنش زن دریده و بی‌حیا | از زن سلیطه و دیوار شکسته باید ترسید. | از زن سلیطه و دیوار شکسته واترسن azzanesaliteodivareΣekastevatarsan |
| با زن هرزه جر و بحث نکن چون آبرویت را می‌ریزد. | زن هرزه دو تا پیراهن دارد تا حرف بزنی یکی را درمی‌آورد به تن تو می‌کند. | مولو کون دو ته پیرهن دنه، تا گپ بزنی به ته کندنه تی تن دوکونه mulukundotapirhandane ta gap bezani ye ta kandeneti tan dokune |
| دریدگی زن هرزه | زن هرزه زبان‌دراز و دریده است. | مول کونه زون درازتره mulu kune zevunderaze |

در این مثل‌ها گویندگان تفکیکی میان زن خوب و بد قائل هستند و هیچ‌یک از این ضرب‌المثل‌ها افادهٔ عموم نمی‌کند و دلالت بر ویژگی‌های همهٔ زنان ندارد. هرزگی، دریدگی و سلیطه‌بودن از ویژگی‌های منفی شخصیتی است که در این مثل‌ها به آن اشاره شده است. برخی از مثل‌ها مانند مثل «از او تومان (طومان) بکندانه» هم برای زنان استفاده می‌شود هم برای مردان.

شلوغی و حرافی

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--------------------------------|------------------------|--|
| زن‌ها شلوغ و پرسر و صدا هستند. | به حمام زنانه می‌ماند. | زناک حمبومه موندنه zanakehambumemondane |
| زن زیاد حرف می‌زند. | فک زنانه دارد. | zanake matΣaye |

پر سر و صدا بودن زنان و حرافی و پرگویی از ویژگی‌هایی است که در ضرب‌المثل‌ها به زنان نسبت داده شده است.

تنبلی و بهانه‌گیری

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---|---|--|
| تنبلی و بهانه‌تراشی عروس | عروس گاو دوشیدن بلد نبود می‌گفت گاو جای داماد پستی بلندی داره | عروس گودوش نبو، گوت: داماد کولوم جیرجور داره arusgoduΣnubu gut damadekolum dZir dZor dare |
| تنبلی و بهانه‌تراشی عروس | عروس می‌لنگید می‌گفت خانه پدر شوهر ناهمواره | عروس لنگستی گفتمی مرده پور خانه ناهمواره aruslangastigoftimarde por xanengahamvare |
| این مثل درباره دختر تنبلی استفاده می‌شود که اگر به‌عنوان عروس به خانه هر کس برود، به خانه پدر برمی‌گردد. | به خانه هرکس برود برمی‌گردد | هر کسی خونه بشون وگردنه har kasixuneboΣun vagardane |

در تعدادی از این ضرب‌المثل‌ها معمولاً عروس خانواده است که در معرض نقد و نکوهش قرار گرفته. این نوع از مثل‌ها می‌تواند بر تنش میان عروس و مادرشوهر دلالت داشته باشد. با تکیه بر این ضرب‌المثل‌ها می‌توان دریافت که تنبلی و کم‌کاری تازه‌عروس‌ها در امورات خانه و زندگی مورد سرزنش قرار می‌گرفت. این سرزنش‌ها معمولاً از طرف مادرشوهرها انجام می‌شد. یکی از گویشوران مرد گیلک‌زبانی که در این پژوهش مورد رجوع پژوهشگر بوده معتقد است این نوع نگاه به عروس در خانواده سنتی دارای کارکرد خاص خود بود، زیرا مادر به واسطه نقش حمایتی و عاطفی از عدم توجه عروس به پسرش نگران است؛ لذا در سال‌های ابتدایی زندگی تازه‌عروس‌ها با نظارت‌ها و عتاب‌های مادرشوهر روبه‌رو بودند. نظارت‌ها با هدف تقویت بنیان خانواده سنتی انجام می‌شده و این چرخه تکرار می‌شد. در دو سر این رابطه زنان حضور دارند.

۳. زن به‌مثابه عنصری فرودست در نسبت با مرد

الف) نگاه از بالا و تحقیرآمیز و وابسته به مرد

در بخشی از ضرب‌المثل‌های گیلکی می‌توان رد پای نگاه‌های از بالا به زن را پیدا کرد. در این موارد، معمولاً عنصر زن وابسته به مرد معرفی می‌شود و زن عنصری است که باید به وسیله مرد مهار شود یا در ذیل حمایت او باشد (ضرب‌المثل ۱ تا ۳). گوینده ضرب‌المثل ۴ مردان هستند و خطاب به مردانی که روحیه مردانه ندارند این ضرب‌المثل استفاده می‌شود. از ظاهر کلام نوعی

بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی ۶۳۷

تحقیر و نگاهی منفی به جنس زن استنباط می‌شود. ضرب‌المثل ۵ و ۶ به ظلم و خشونت مردان به زنان اشاره دارد، ولی درعین‌حال ظلم مورد نقد قرار می‌گیرد. در ضرب‌المثل ۷ و ۸ جنس زن درواقع به‌منزلهٔ عنصری است که وابسته به مرد است و در معرض انتخاب است و بالاخره روزی هم به خانهٔ دیگری خواهد رفت. در ضرب‌المثل ۹ با نوعی نگاهی مادی و طلبکارانه به زن مواجهیم. اگر زن جهیزیهٔ خوبی به خانهٔ شوهر نبرد، مورد سرزنش قرار می‌گیرد. درواقع زنان براساس میزان جهیزیه ارزش‌گذاری می‌شوند. نگاه منفی به دختر و به زنان مطلقه و بیوه و زنان عقیم از دیگر مواردی است که در این ضرب‌المثل‌ها بازتاب یافته است.

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--|--|--|
| اظهار تأسف از اینکه زن از مرد حساب نبرد. | آدم که بد بیاورد، زن آدم به آدم می‌گوید آقا داداش. | آدم گه بد بیاره آدمه زناک آدمه گوی آبرار Adam ge bad bijareAdame zanakAdame guy aberar |
| لزوم مدیریت و کنترل زن توسط مرد. | بار را تنگ (اسب) نگه می‌دارد زن را مرد مهار می‌کند. | باره تنگ داره، زنه مرد bare tang darezanemard |
| دختر قابل کنترل است. | دختر به چه می‌ماند به موم دست بزنی نرم‌تر می‌شود. | لاکو چی موندنه؟ برمومه، دس بزنی نرم‌تر بونه lAku tΣI mondenebarmume das bezaninarmtera bone |
| صلابت ندارد. | خاله‌زنک و زن صفت است. | زناک آبیچی په zanakeabdZije |
| تحکم نسبت به زن | زورش به که می‌رسد، به مادر بچه‌ها. | انه زور که رسه جغلانه ماره anezurke rese dZaqelane mare |
| تحکم نسبت به زن | آخر سر پایه بر سر پلوپز می‌خورد (خانم خانه). | آخرپس، پایه خوره پلاپچ سرا axar pas payexorepelapatΣa sare |
| دخترها بالاخره شوهر می‌کنند. | از گیل ترش هم بالای درخت نمی‌ماند | تورشه کونوسم به دار نمانه torΣe konusam be darnamane |
| عروس به‌مثابهٔ عنصری در خدمت خانوادهٔ شوهر | عروست را به خانه بیاوری. | تی پسر زنه باری tipesarzanebari |
| نگاه ابزار و کالایی به زن | جهاز خوبی هم آورده رونما (هدیه نقدی و یا جنسی که خانوادهٔ داماد برای دیدن عروس می‌دهند) هم می‌خواهد. | خیلی جهاز خوبی بارده رو نُمَام هم خنه xejli dZahazexobi barde ronemam ham xane |
| سرزنش زن نازا | انگار حرکات زنان اجاق کور را می‌کند. | ازا اینه سوره کرده کار کونه azina sure kardekar kune |

ب) برتری فرزند پسر بر دختر

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--|--|---|
| ارزش فرزند پسر | پسر بیاری ان شاء الله (دعا برای زنان باردار) | پسر بچینی ایشالله Pesar betΣiniiΣala |
| دعای مادر برای پسر هنگام ناز و نوازش. ارزش فرزند پسر | دخترها بر در خونهات گدایی بیایند عاشقت بشوند. | لاکو اون بین تی دره سر گدایی lakuunbijanti dare sargedaji |
| دختر بار مالی برای خانواده دارد. | دختر اثاث خانه پدر را خالی می‌کند، آبدزدک، باغ را. | دختر اوطاقه خالی کونه کاپیش باغه doxtrotaqexali kune kapiΣbaqe |

در پاره‌ای از ضرب‌المثل‌ها، فرزند پسر بر دختر ترجیح داده شده است؛ اما نکته جالب توجه در اینجاست که غالباً گوینده این ضرب‌المثل‌ها زنان هستند. ضرب‌المثل ۲ از دعاهایی است که مادران برای فرزندان پسر خود می‌خوانند.

۴. زن به‌مثابه عنصری فرادست**الف) زن سوژه‌ای قدرتمند و دارای حق**

اگرچه بخش درخور توجهی از مطالعاتی که در حوزه خانواده سنتی انجام شده بر ارائه تصویری فرودست از زن در خانواده تأکید دارند، بررسی ضرب‌المثل‌های گیلکی در پاره‌ای موارد از قدرت زنان در خانه و خانواده و نقش فرادستی آنان حکایت دارد. در ضرب‌المثل ۱ ضمن تقسیم‌بندی زنان به زن مدیر و زنی که مهار شده است و زن تنبل و بی‌عرضه، دسته اول زنانی هستند که مدیریت خانه و زندگی را برعهده دارند. از ضرب‌المثل ۲ می‌توان این‌گونه برداشت کرد که این تسلط زنان در خانه ریشه در علاقه‌ای است که مرد به همسرش دارد؛ یعنی درواقع زن خانواده سنتی به جهت اینکه مورد علاقه همسرش است قابلیت مهار شوهر را پیدا کرده است. ضرب‌المثل ۳ و ۴ بر حکمرانی زن در خانه با وجود حضور مرد دلالت دارد. در ضرب‌المثل ۵ کلیدواژه «کلانتر» برای زن استفاده شده و بیان می‌شود که مدیریت زن در خانه موجب روشنایی خانه است. این دسته از ضرب‌المثل‌ها قدرت و سلطه زنانه در خانواده را بازنمایی می‌کند و نشان می‌دهد نه‌تنها زن عنصری فرودست در خانواده به شمار نمی‌رود، بلکه نقشی فرادست و قدرتمند و ذی‌نفوذ و واجد حق و اختیار در خانواده ایفا می‌کند.

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---|---|--|
| سه نوع زن داریم زنی که مدیر خانه و زندگی است و مایه شادی همسر است و کیابیا بدارد، زنی که می‌شود از او سواری کشید، زن بی‌عرضه. | زن داریم زین داریم و تکلتو (زن بی‌عرضه) | زن دنیم، زین دنیم، تکلتو zan denim zin denim takaltu |
| تسلط زن به شوهر | زور زن به شوهرش می‌رسد، زور بچه به مادر. | زن خو مرده زور داره، زای خو ماره zan xumardezur dare zay xu mare |
| تسلط و حاکمیت زن در خانه | صاحبخانه می‌گذارد زن صاحبخانه نمی‌گذارد. | خانه خا و هله، خانه خازن و لانه xanexavahlexanexazenvalane |
| تسلط و حاکمیت زن در خانه | بیرون از خانه کدخداست خانه یه دسته کاه. | بیرون کنخودایه، خانه کولوش موشته birunkixudajexanekoluΣ muΣte |
| لزوم مدیریت و حاکمیت زن در خانه | کلانتر (خانم) باید خانه باشد تا زندگی روشنی داشته باشد. | کلانتر خن خونه بیسه تا زندگی سو بداره kalantarxanxune bise ta zendegisubedare |
| تسلط و حاکمیت زن در خانه | کسی که دو زن دارد در مسجد می‌خواهد. | دوزن دار مچه خوسته do zandar matΣe xuse |
| به مردی گفته می‌شود که لیاقت دختر خوب را ندارد. | تو باید سگ ماده‌ای که شش پستان دارد بگیری. لیاقت این دختر را نداری. | تو خن شیش پوستون خانمه بُوری to xanΣiΣpustunexanemeboburi |
| لزوم توجه به حق اقتصادی زن | مگر مهریه مادرت بود؟ چرا گذشت نمی‌کنی؟ | تی ماره مهریه بو مگه؟ ti mare mehrijebumege |
| لزوم رعایت حق و حقوق زن | حق زن تا فرق سر، حق شیرده (دایه) تا دم در. | حقه زن تا فرق سر حقه شیر تا دره سر haqezan ta farqesarhaqezir ta dare sar |

۵. زن به مثابه سوژه‌ای برابر با مرد

الف) ارزش فرزند دختر و عدم تفاوت جنسیتی

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|--|---|--|
| عدم تفاوت میان فرزند دختر و پسر | می‌خواهد برود پل خشتی نیمه تمام را بسازد؟ (ساختن پل آجری کار سختی در معماری بود. این مثل در جواب کسی استفاده می‌شود که می‌گوید زن فلانی پسر زاید. کنایه از اینکه خب بزاید مگر پسر چه کار می‌کند؟ پسر و دختر چه فرق دارد.) | خن بشون خشته پوله نیمکاره چاکونه؟ xanboΣun xaΣte pule nimkare tΣakune |
| عدم تفاوت میان فرزند دختر و پسر. فلانی پسر داشت، ولی به او وفا نکردند. | مادری که هفت تا پسر داشته را گرگ خورده است. (کنایه از بی‌وفایی پسر و عدم تفاوت دختر و پسر) | هفت تا پسر مئاره گورگ بوخورده haf ta pesar mare gorgboxurde |

این جملات بر عدم تفاوت جنسیتی میان دختر و پسر اشاره دارد و گوینده تأکید دارد که تفاوتی میان فرزند پسر و دختر نیست.

ب) تأکید بر نقش و سهم مشترک عنصر زن و مرد در خانواده

| معنای متبادر به ذهن | ترجمه | مثل |
|---|---|---|
| عزیز دردانه است، اصل و نسب دارد. | از پدری خان است، از مادری جان نامش خانجان است. | از پدری خانه از مادری خانه انه نام خانجانه azpedarixaneazmadari dZaneanenamxandZane |
| لزوم احترام به پدر و مادر (هر دو) | آدم از پدر و مادر حتی اگر پیر باشند سیر نمی‌شود. | پر و مار پیری بیون سیری نیه Pero mar piribobunsirinije |
| هرکس راه پدر و و مادرش را برود | به گاو گفتند کار پدرت کار مادرت همین بود و هست تو هم بکار. | ورزه بوتن تی پره کار تی مئاره کار ترن بکار varzebotun tip ere karti mare karterenbekar |
| بیکاری و نبود وسایل زندگی باعث شرمساری زن و شوهر می‌شود. سهم مشترک هر دو در زندگی | بی‌کار و کوله‌بار و وسایل زندگی، خانم و آقا شرمسار می‌شوند. | بی کار و بی بار و بی زندگی، خانم و آقا شرمندگی bikarobibaro bi zendegixanemoaqaΣarmandegi |
| لزوم کفویت در ازدواج | همسر و همسال و هم طراز با تو نیست. | تی همسرآمال نیه Tihamsaramalniye |
| در دعوی زن و مرد جانب کسی را نگیر چون سریع آشتی می‌کنند. | قاضی زن و مرد مُرده | زن و مردی قاضی بُمورده zanomadiqazibomurde |

در این جملات به توجه برابر نسبت به پدر و مادر فارغ از جنسیت توصیه می‌شود. در ضرب‌المثل ۳ فرزند به ادامه‌دادن راه پدر و مادر دارد. ضرب‌المثل ۴ به نقش و سهم برابر زن و مرد در موفقیت در زندگی تأکید دارد و مسئولیت کامیابی و شکست در زندگی را متوجه زن و شوهر می‌داند. به عبارتی دیگر، جامعه، نقش و سهم مشترکی را برای هم زن و هم مرد خانواده در شکل‌گیری زندگی موفق قائل است و فقط مردان را مسئول تأمین نیازهای زندگی نمی‌داند. به همین دلیل گفته می‌شود که عدم کامیابی در زندگی شرمساری خانم و آقا را با هم به دنبال دارد. ضرب‌المثل ۵ به رعایت کفویت و قرابت میان زن و شوهر در زندگی مشترک تأکید دارد. ضرب‌المثل ۷ و ۸ ضمن اینکه بر وجود روابط محبت‌آمیز در غالب زندگی‌های زن‌شویی اشاره دارد، در دعوای خانوادگی حق را به کسی نمی‌دهد و توصیه می‌کند جانب کسی گرفته نشود چون درنهایت میان زن و شوهر آشتی خواهد افتاد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با اتخاذ رویکردی توصیفی تحلیلی به تصویر نسبتاً روشنی از چگونگی نقش و جایگاه زنان در فرهنگ شفاهی و ادبیات عامیانه گیلان دست یابیم. به نظر می‌رسد ضرب‌المثل‌ها به دلیل عمومیت و فراگیر بودنشان در میان عامه مردم و تداوم و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر طی سال‌های متمادی قابلیت مناسبی جهت بازنمایی زن در فرهنگ شفاهی مردم گیلان داشته باشند. فرض اصلی نویسنده آن است که باورها و عقاید و نگرش‌های جامعه در ادبیات عامیانه و فرهنگ شفاهی به طور خاص در ضرب‌المثل‌ها بازتاب پیدا می‌کند. لذا با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، ضرب‌المثل‌های مرتبط با هدف پژوهش جمع‌آوری شد. پس از مطالعه و بررسی حدود ۴۶۰۰ ضرب‌المثل گیلکی، مواردی که قابلیت بازنمایی نقش و جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی داشتند استخراج شدند. ضرب‌المثل‌های با مضامین مشترک و مشابه، ذیل پنج مقوله کلان تصویری از سویه‌های مثبت زنان، تصویری از سویه‌های منفی زنان، زن به مثابه عنصری فرودست، زن به مثابه عنصری فرادست و زن به مثابه عنصری برابر در نسبت با مرد دسته‌بندی شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند.

در کلان مقوله نخست، اشاره به زیبایی ظاهری، ویژگی‌های شخصیتی مثبت و مطلوب، نقش محوری و اثربخش زن در زندگی، رابطه عاطفی میان زن و مرد و تأکید بر مطلوبیت زن و نقش عاطفی و محوری زن در نقش مادری از ویژگی‌ها مهم و سویه‌های مثبت زنان هستند که در ضرب‌المثل‌های گیلکی بازتاب پیدا کردند.

اشاره به ظاهر نامناسب و زشت و ویژگی‌های شخصیتی ناپسند محتوای ضرب‌المثل‌هایی هستند که تصویری از سویه‌های منفی زنان را ارائه می‌کنند. در محور سوم، برتری فرزند پسر بر دختر و نگاه از بالا، تحقیرآمیز و وابسته به مرد از جمله مقوله‌هایی هستند که در ذیل کلان مقوله زن به مثابه عنصری فرودست جای می‌گیرند. بخش دیگری از ضرب‌المثل‌ها بر فرادست بودن زنان در جامعه اشاره دارند. ضرب‌المثل‌هایی که بر ارزش فرزند دختر و عدم تفاوت جنسیتی و سهم و نقش مشترک عنصر زن و مرد در خانواده اشاره دارند از جایگاه برابر زن با مرد در فرهنگ مردم گیلان حکایت می‌کند.

نتایج غالب پژوهش‌های مشابه که با هدف بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های مناطق مختلف ایران انجام یافته حاکی از برجسته‌بودن وجه منفی تصویر زنان و حاکمیت نابرابری جنسیتی و بازتاب این نابرابری در ضرب‌المثل‌ها است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، یافته‌های قبلی از تصاویر زنان در مثل‌ها نشان می‌دهد زنان در قیدوبند تحمیل اراده از سوی مردان بوده‌اند و با آن‌ها بدرفتاری می‌شده است. آنان در مقایسه با مردان از شأن و جایگاه اجتماعی پایین‌تری برخوردار بوده و ظرفیت و ویژگی‌های مثبتشان نادیده گرفته می‌شد. در واقع این پژوهش‌ها بر برجسته‌بودن نابرابری و تبعیض جنسیتی در ضرب‌المثل‌ها تأکید دارند. اما نتایج این مقاله

یافته‌های شعبانی و صراحی (۱۳۹۵) و موحد و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر مردسالار بودن و سیطره نابرابری جنسیتی بسیاری از جوامع سنتی ایران را تأیید نمی‌کند. اگرچه یافته‌های شعبانی و صراحی (۱۳۹۵) که با اتکا به ضرب‌المثل‌های گیلکی منطقه اشکورات گیلان انجام شده حاکی از حاکمیت رابطه سلسله‌مراتبی و فرودستی و نادیده‌انگاشتن زنان در جامعه است، بررسی ما نشان می‌دهد با وجود اینکه بخشی از ضرب‌المثل‌های گیلکی از وجود نابرابری و توزیع نامناسب قدرت در جامعه و خانواده حکایت دارد، بخش درخور توجهی از آن‌ها بر ویژگی‌های مثبت و نقش و حضور فعال زن در جامعه و قدرت و نفوذ جایگاه او در حیات اجتماعی دلالت دارند.

نکته جالب توجه در ضرب‌المثل‌هایی که دلالت بر بازنمایی منفی از زن در جامعه گیلک‌زبان دارند آن است که در غالب این ضرب‌المثل‌ها، زن به‌مثابه موجودی شریر و شیطانی و کاملاً منفی دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، ضرب‌المثل‌هایی که بر بازنمایی منفی از زنان دلالت دارند وجهی ذات‌گرایانه و جوهری به عنصر زن نداشته و روایتی دوشخصیتی از زنان دارند؛ مثلاً در جایی گفته می‌شود زنی هست که «مایه موفقیت و سربلندی مرد است و زنی هم هست که او را به خاک سیاه می‌نشانند.» با نگاهی کلی به ضرب‌المثل‌های گیلکی می‌توان دریافت که مقصود گوینده در ضرب‌المثل‌هایی که به سویه منفی زنان اشاره دارد نوعی تفکیک از زن خوب و زن بود است و ناظر بر عموم زنان نیست. یا ضرب‌المثل‌هایی که حسادت و کینه‌توزی یا تکبر زنان را بازنمایی می‌کند بیشتر ناظر بر دعوایها و تنش‌های میان مادر شوهر و تازه‌عروس‌هاست که غالباً در سال‌های اول زندگی شکل می‌گیرد و تداوم ندارد.

در نقطه مقابل، آنجا که بر وجه مثبت و منزلت زن اشاره می‌شود، عبارات و کلمات افاده عموم دارد و گوینده ضرب‌المثل رویکردی ذات‌گرایانه یا عام‌گرایانه به زن دارد؛ مثلاً در جایی از «تلازم و همراهی زن و زندگی و آبادانی زندگی با حضور زن» سخن می‌شود یا در جایی دیگر بیان می‌شود که «اگر گیله‌مرد صد روز در مزرعه برنج کار کند، تا گیله‌زن پایش را بر شالیزار نگذارد، زمین آباد نمی‌شود.»

در فهم درست ضرب‌المثل‌ها باید به این نکته توجه داشت که گاه برداشت‌های متعددی از یک متن متصور است و برخی از جملات در مقوله‌های متعددی جای می‌گیرند، مثلاً ضرب‌المثل‌هایی که بر وجوه منفی شخصیتی زنان اشاره دارند لزوماً بازنمایی منفی از شخصیت زن به شمار نمی‌روند. وقتی در ضرب‌المثلی گفته می‌شود «زورش به کی می‌رسد؟ به مادر بچه‌ها» در واقع این جمله هم از ظلم مردان به زنان در جامعه حکایت می‌کند و هم بر ارزش شمردن مهرورزی در خانه و پرهیز از خشونت و تقبیح و زشت شمردن تندخویی در خانه تأکید دارد. همچنان که در ضرب‌المثلی دیگر در رابطه با مردان خشن گفته می‌شود «خونه‌گوره» یعنی خانه‌خراب‌کن است. پس در تفسیر ضرب‌المثل‌ها ضمن آگاهی از بستر فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف باید به معانی و مفاهیم متکثری که از آن فهم می‌شود توجه داشت. این

در حالی است که در پژوهش‌های قبلی با تکیه بر روش‌های کمی و صرف احصاء نمونه‌هایی دال بر بازنمایی منفی از زن، حکم به مردسالاری در جامعه و حاکمیت نابرابری عمیق جنسیتی در جامعه شده است.

کلمات و مفاهیم به‌کاررفته در ضرب‌المثل‌های هر جامعه‌ای باید در بستر اجتماعی و فرهنگی همان جامعه فهم شوند و مورد تحلیل قرار گیرند. اگر این بستر اجتماعی درست فهم نشود، ممکن است انگاره‌های ذهنی پژوهشگر بر واقعیت‌های اجتماعی تحمیل شود؛ مثلاً وقتی در یک بستر فرهنگی و اجتماعی، خانه‌داری و تربیت فرزند به‌عنوان یکی از کارویژه‌های زنان، امری مقدس تعریف می‌شود، نمی‌توان این پدیده را به‌منزله تحقیر و یا فرودست انگاری زنان در آن جامعه تعریف کرد. در حالی که در چارچوب نگرش‌های فمینیستی، خانه‌داری زن به‌منزله محدود کردن زنان و نگاه از بالا به جنس تعریف می‌شود. مطالعه پژوهش‌های حوزه زنان حاکی از سیطره رویکردهای فمینیستی و انتقادی نسبت به سنت در آثار و پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است. با توجه به یافته‌های این مقاله، ضرورت نگاه انتقادی به انگاره‌های مسلط در تحقیقات اجتماعی حوزه زنان احساس می‌شود.

برخلاف نتایج دیگر پژوهش‌هایی که با هدف چگونگی بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های فرهنگ‌های محلی انجام شده است، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد زن در فرهنگ گیلان، چه در حیطه خانه و خانواده چه در حیطه مسائل اجتماعی و اقتصادی، در هر سه جایگاه فرادست، فرودست و برابر با مرد ظاهر شده است. این در حالی است که رضایی و ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۴) نتیجه گرفته‌اند که در ضرب‌المثل‌های بختیاری زن صرفاً در حوزه خصوصی و خانواده جایگاه فرادست دارد و در حوزه مسائل عمومی و اجتماعی جایگاه فرودستی و پایین‌تر از مردان دارد و در حوزه مسائل عام در نقطه برابر با مردان قرار می‌گیرند.

تحلیل محتوایی ضرب‌المثل‌های گیلکی نشان می‌دهد زن در فرهنگ شفاهی مردم گیلان از جایگاه متنوع و چندوجهی برخوردار است. گاهی شخصیتی فرودست و ضعیف دارد و گاهی شخصیتی فرادست و قدرتمند و گاهی در جایگاهی برابر با مرد. بنابراین، به نظر می‌رسد به تحلیل‌هایی که با رویکردی عام‌گرایانه بر حاکمیت مردسالاری و زن‌ستیزی و نابرابری جنسیتی در فرهنگ خانواده و جوامع سنتی و بازتاب آن در فرهنگ شفاهی جامعه ایران تأکید دارند باید به دیده تردید نگریست، زیرا مطالعه ضرب‌المثل‌های گیلکی تصویری چندوجهی از زن ارائه می‌کنند و نقش و حضور زن در جامعه به‌مثابه سوژه‌ای قدرتمند و فرادست و نیز برابر با مرد را هم بازنمایی می‌کنند. بنابراین ما در بررسی تصویر زن در ضرب‌المثل‌ها نه با یک تصویر، بلکه با تصاویر متعدد و متنوعی روبه‌روی هستیم. بازنمایی زن در فرهنگ شفاهی گیلان نشان می‌دهد زن به‌مثابه انسانی چندوجهی بسته به موقعیت‌ها و نقش‌های متفاوت، ویژگی‌ها و خصوصیات متفاوتی داشته است.

منابع

- [۱] آزادارمکی، تقی؛ ترکارانی، مجتبی؛ ایرج حق‌ندری (۱۳۹۲). «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری» *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۱، ص ۹-۳۴.
- [۲] برهانی شهرستانی، محمدعلی (۱۳۸۵). *زن در آیین ضرب‌المثل‌های ایران و جهان*، مشهد: انتشارات آرمان خرد.
- [۳] پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۴). *فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات گیل و دیلم*، تهران: سروش.
- [۴] پرچلم، محمد (۱۳۹۲). *ضرب‌المثل‌های گیلکی*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- [۵] حیدری، آرمان؛ ابتکاری، محمدحسین؛ محقق، عبدالمجید (۱۳۹۶). «واکاوی مفهوم زن در ضرب‌المثل‌های لری با تأکید بر بعد نابرابری جنسیتی»، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، س ۵، ش ۱۷، ص ۱۹۵-۲۲۱.
- [۶] دلاور، علی (۱۳۹۵). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: رشد.
- [۷] ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۲، ص ۲۷-۵۲.
- [۸] رضایی، حمید؛ ظاهری عبده‌وند، ابراهیم (۱۳۹۴). «جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، س ۳، ش ۶، پاییز و زمستان، ص ۲۱-۴۲.
- [۹] شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۸۰). *دوزارده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها*، مشهد: به‌نشر.
- [۱۰] فخرایی، ابراهیم (۱۳۹۴). *ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات گیلکی*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- [۱۱] کدیور، جمیله (۱۳۷۴). «اقتدارگرایی از منظر فرهنگ عامه»، *فصل‌نامه راهبرد*، ش ۸، ص ۱۳-۴۴.
- [۱۲] محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۶). «هنجارهای ارتباطی در ضرب‌المثل‌ها و یازده قرن اشعار فارسی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۳۱، ص ۱۵۳-۱۷۹.
- [۱۳] محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷). *ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران*. تهران: چاپار.
- [۱۴] محمدپور، احمد؛ کریمی، جلیل؛ معروف‌پور، نشمیل (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه گویش سورانی-مکرانی)»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۳، ص ۶۵-۸۳.
- [۱۵] محمودی بختیاری، بهروز؛ افخمی، علی؛ تاج‌آبادی، فرزانه (۱۳۹۰). «بازتاب اندیشه مردسالارانه در زبان فارسی، پژوهشی در جامعه‌شناسی زبان»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۲، ش ۴، ص ۹۱-۱۰۷.
- [۱۶] مرادیان گروسی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). *جا دکفته گیان*. رشت: گیلهمرد.
- [۱۷] موحد، مجید؛ عسکری چاوردی، محمدجواد؛ یادعلی، زهرا (۱۳۹۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۲، تابستان، ص ۱۰۱-۱۲۰.
- [۱۸] نراقی، حسن (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خودمانی*. تهران: اختران.
- [19] Kiyimba, A (2005). "Gendering Social Destiny in the Proverbs of the

- Baganda: Reflections on Boys and Girls Becoming Men and Women”, *Journal of African Cultural Studies*, 2: PP 253-270.
- [20] Schipper, M. (2010). *Never Marry a Woman with Big Feet: Women in Proverbs from Around the World*. Leiden university press.
- [21] Nakhavaly, F& Sharifi, Sh (2013). “On Sex Discrimination in Persian proverbs”. *Theory and Practice in Language Studies*. Vol. 3(1). PP 195-200.